

اخلاق اسلامی

(۱۲)

آموزه‌های اخلاقی، رفتارهای امان‌شیر علی‌هم‌سَلَام

وفای به عهد

نویسندگان:

محمد تقی عبدوس - محمد محمدی اشتهاردی





نام جزوه : اخلاق اسلامی آموزه‌های اخلاقی، رفتاری امامان شیعه علیهم‌السلام (۱۲)

موضوع : وفای به عهد

نویسندگان : محمدتقی عبدوس - محمد محمدی اشتهاردی

ناشر : دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت

آدرس : تهران، خیابان جمهوری اسلامی، مسجد هدایت

تلفن : ۰۲۴-۳۳۹۰۷۰۲۱ - ۰۲۱ - ۳۳۳۹۲۶۲۳ - ۰۲۱

صندوق پستی : ۵۹۵ - ۱۱۵۵

آدرس وب سایت : [www.hedayatgar.ir](http://www.hedayatgar.ir)

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## وفای به عهد

### معنا و اقسام عهد

واژه‌ی عهد که در فارسی به آن پیمان، قول و وعده می‌گویند، نوعی قرارداد است که بین دو نفر، یا دو گروه، یا چند نفر و چند گروه، یا بین امت و امام (به عنوان بیعت) بسته می‌شود که اگر به طور مشروع و صحیح باشد، حتماً باید به آن پای‌بند بود.

عهد و پیمان معنای وسیعی دارد و در وهله‌ی اول بر دو قسم است:

الف) عهد و پیمان با خدا.

ب) عهد و پیمان با مردم.

عهد و پیمانی که شامل عهدهای سیاسی، تجاری، اخلاقی، حقوقی و اجتماعی می‌شود؛ گاهی در سطح وسیع بین‌المللی است و گاهی به صورت بیعت است که هم سیاسی است و هم مذهبی، اجتماعی و حقوقی. گاهی عهد و پیمان در سطح کوچک تر بین دولت و پیمان‌کاران است و گاهی بسیار کوچک و به صورت عهد و پیمان بین دو نفر است؛ مانند این که با دوستان عهد می‌کنیم که در ساعت معینی به مکان خاصی برویم. همه‌ی این موارد، در صورت مشروعیت آن، زیر پوشش اصل وفای به عهد قرار می‌گیرند.

وفای به وعده و عهد و پیمان هم‌چون شیرازه‌ای است که روابط اجتماعی، سیاسی و... را محکم نگه می‌دارد.

متأسفانه این اصل بزرگ، در جامعه‌ی ما کم‌رنگ و ضعیف شده، و بسیاری

خیلی ساده و راحت به پیمان‌شکنی پرداخته، چنین خلاف بزرگی را یک امر عادی تلقی می‌کنند؛ غافل از این که گناه بزرگی مرتکب شده‌اند.

### اهمیت وفاداری به عهد و پیمان با خدا

عهد و پیمان با خدا نیز از شاخه‌های مهم عهد و پیمان است و مانند نذر، مخالفت با آن از گناهان بزرگی است و کفاره‌ی آن هم چون کفاره روزه خوردن در ماه رمضان می‌باشد.

در قرآن، آنان که به عهد خود با خدا عمل نکردند؛ به عنوان منافق معرفی شده‌اند:

(فَاعْتَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ)؛<sup>۱</sup>

این پیمان‌شکنی، نفاق را در دل‌هایشان، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، برقرار ساخت. این به سبب آن است که از پیمان الهی تخلف جستند و دروغ گفتند.

دامداری گوسفندهای خود را کنار درختی برد و خود به بالای آن رفت. باد شدیدی وزید، او خود را در خطر بسیار سخت دید. با خدا عهد کرد و گفت: خدایا اگر من به سلامتی از درخت پایین آیم، همه‌ی گوسفندانم را در راه تو صدقه می‌دهم.

سپس آرام آرام از شاخه‌های بالا به شاخه‌های پایین آمد و کمی احساس

---

<sup>۱</sup> - توبه (۹) آیه ۷۷. این آیه به دنبال عهدشکنی ثعلبه انصاری نازل شد. او با خدا عهد کرد اگر ثروتمند شود حقوق واجب آن را پردازد ولی پس از آن که دارای گوسفندهای بسیار شد بخل ورزید و زکات آن‌ها را نداد.

آرامش کرد، و گفت: خدایا! قیمت گوسفندها گران است و دلم نمی‌آید صدقه بدهم. اگر سالم به پایین آیم، پشم‌های آن‌ها را صدقه می‌دهم. از آن جا به قسمت پایین تر آمد، بیش تر احساس آرامش کرد و گفت: خدایا! اگر سالم به زمین برسم کشک‌های به دست آمده از آن‌ها را صدقه می‌دهم. وقتی که پایین آمد و کاملاً احساس آرامش کرد، گفت: پشم چی؟ کشک چی؟ ولش کن هیچی! و این جمله به عنوان مثل در تاریخ باقی ماند.

خداوند می‌فرماید:

(وَأَوْفُوا بَعْدِي أَوْفٍ بَعْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ)؛<sup>۱</sup>

به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم، و تنها از من بترسید.

اهمیت وفای به عهد از دیدگاه قرآن

در قرآن، در آیات متعددی به وفای به عهد تأکید شده است که در این جا به عنوان نمونه، به ذکر چند آیه اکتفا می‌شود:

۱- قرآن در بیان شمارش نیکی و نیکان می‌فرماید:

(وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا)؛<sup>۲</sup>

آنان کسانی هستند که به عهد خود، هنگامی که عهد می‌بندند وفا می‌کنند.

۲- نیز در قرآن می‌خوانیم:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)؛<sup>۳</sup>

۱ - بقره (۲) آیه ۴۰.

۲ - بقره، آیه ۱۷۷.

۳ - مائده (۵) آیه ۱۰.

ای ایمان آورندگان! به قراردادهای خود وفا کنید.

۳- قرآن در وصف مؤمنان رستگار می‌فرماید:

(وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ)؛<sup>۱</sup>

آنان امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند.

۴- نیز در قرآن می‌خوانیم:

(وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا)؛<sup>۲</sup>

و به عهد (خود) وفا کنید، که (در روز قیامت) از عهد، سؤال می‌شود.

۵- خداوند در قرآن حضرت اسماعیل ع‌ا‌س‌ل‌ی‌ا را به سبب آن که در وفای به عهد،

راستگو و جدی بود ستود و فرمود:

(إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ)؛<sup>۳</sup>

همانا اسماعیل در وعده‌هایش راستگو بود.

۶- نیز در قرآن می‌خوانیم:

(وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَّضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ....)؛<sup>۴</sup>

و همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشم‌های تابیده‌ی خود را پس از

استحکام، باز می‌کند!

امام باقر ع‌ا‌س‌ل‌ی‌ا در تفسیر این آیه فرمود: «زنی به نام ریطه از قبیله‌ی بنی تیم که

احمق و سبک مغز بود، نخ‌هایی از مو را می‌تابید و وقتی که به پایان می‌رسید،

۱ - مؤمنون (۲۳) آیه ۸.

۲ - اسراء (۱۷) آیه ۳۴.

۳ - مریم (۱۹) آیه ۵۴.

۴ - نحل (۱۶) آیه ۹۲؛ تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۳۸۹ و تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۸۲.



تاییده‌هایش را باز می‌کرد. سپس دوباره به تاییدن آنها می‌پرداخت! خداوند متعال آنان را که عهدشکن هستند، به چنین زن سبک مغزی تشبیه نموده است. از مجموع این آیات فهمیده می‌شود که وفای به عهد در اسلام، اصلی استوار و دستوری محکم و ارزشمند است و سفارش شده است مسلمانان به آن وفا کنند، چون اگر عهد بشکنند، از صف نیکان و مؤمنان رستگار خارج می‌شوند.

### اهمیت وفای به عهد در گفتار امامان علیهم‌السلام

امامان علیهم‌السلام با صدها گفتار، پیروان خود را با تأکیدهای فراوان به وفای به عهد دعوت کرده‌اند، و شاید بتوان گفت به کمتر چیزی مانند رعایت عهد و پیمان، تأکید نموده‌اند. در این جا چند حدیث را در این باره می‌آوریم:

۱- حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

إِنَّ الْعُهُودَ قَلَائِدٌ فِي الْأَعْنَاقِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلَهُ اللَّهُ، وَ مَنْ نَقَضَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ؛<sup>۱</sup>

همانا عهدها و پیمان‌ها، گردن‌بندهایی در گردن‌ها هستند تا روز قیامت. کسی که پیوند آن‌ها را نگهدارد (و وفای به عهد کند) خداوند او را به مقصود می‌رساند، و کسی که آن عهدها را بشکند، خداوند او را به خودش وامی‌گذارد.

۲- نیز فرمود:

إِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ؛<sup>۲</sup>

هرگاه مردم، پیمان‌شکنی کنند، خداوند دشمنان را بر آنان مسلط کند.

۳- رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

<sup>۱</sup> - میزان الحکمه، ج ۷، ص ۴۹.

<sup>۲</sup> - بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۵.

لا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ؛<sup>۱</sup>

آن که وفا ندارد، دین ندارد.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود:

عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ، فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخُلْفِ اللَّهِ بَدَأَ، وَ لِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ؛<sup>۲</sup>

وعده‌ی مؤمن به برادر دینیش هم‌چون نذر است که کفارہ ندارد و کسی که به آن وفا نکند، به مخالفت با وعده‌ی خدا برخاسته و خود را در معرض غضب خدا قرار داده است.

۵- حضرت رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرِي مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دَيْنًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ؛<sup>۳</sup>

ما خاندانی هستیم که وعده‌های خود را، قرضی بر گردن خود می‌بینیم، چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین بود.

۶- حضرت زینب علیه السلام در سرزنش مردم بی‌وفا و بیعت‌شکن کوفه، در قسمتی از خطبه‌اش چنین فرمود:

إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ النَّبِيِّ نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ؛<sup>۴</sup>

شما همانند آن زنی هستید که رشته‌های خود را پس از تابیدن باز می‌کرد، و

۱ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۶.

۲ - اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۳.

۳ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۷.

۴ - نفس المهموم، ص ۲۱۵.



سوگند و پیمان خود را وسیله‌ی خیانت و فساد قرار می‌دهید.

۷- امام صادق علیه السلام فرمود:

ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بُرَيْنِ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ؛<sup>۱</sup>

سه کار است که برای هیچ‌کس در مورد آن، عذر و بهانه پذیرفته نخواهد بود: دادن امانت به صاحبش، خواه نیکوکار باشد یا بدکار؛ وفای به عهد، خواه آن عهد با شخص نیکوکاری باشد یا شخص بدکاری و نیکی به پدر و مادر، خواه آنان نیکوکار باشند یا بدکار.

### نمونه‌ها

برای تکمیل این بحث، به چند نمونه از سیره‌ی عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام در خصوص عهد و پیمان و وفای به آن اشاره می‌کنیم:

### نمونه اول

عمار یاسر می‌گوید: قبل از آن که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به پیامبری برسد، مدّتی گوسفندان مردم مکه را برای چراندن به دامنه‌ی کوه و دشت می‌برد، من نیز در همان عصر چوپان بودم. روزی با آن حضرت عهد کردیم که فردای آن روز، با هم، گوسفندهایمان را به علفزار بین دو کوه ببریم. فردای آن روز من دیر کردم و وقتی که رسیدم دیدم محمد صلی الله علیه و آله و سلم گوسفندانش را به علفزار رسانده، ولی آن‌ها را از چریدن در آن علفزار بازمی‌دارد. عرض کردم: چرا گوسفند را از آن سرزمین بازمی‌داری؟ فرمود:

<sup>۱</sup> - خصال صدوق، ج ۱، ص ۶۶.

إِنِّي كُنْتُ وَاعِدْتُكَ فَكَرِهْتُ أَنْ أُرْعَى قَبْلَكَ؛<sup>۱</sup>

من با تو عهد و پیمان بسته بودم که با هم به آن علفزار برویم. دوست نداشتم  
گوسفندانم را از قبل از رسیدن تو به چراگاه ببرم.

نمونه دوم

رسول خدا ﷺ همراه مردی بود، و آن مرد خواست به جایی برود. رسول  
خدا ﷺ کنار سنگی توقف کرد و به او فرمود: «من همین جا هستم تا بیایی.»  
آن مرد رفت و نیامد. نور خورشید بالا آمده بود و به طور مستقیم بر چهره‌ی  
مبارکش می‌تابید. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا ﷺ از این جا به سایه  
بروید. آن حضرت در پاسخ فرمود:

قَدْ وَعَدْتُهُ إِلَى هَهُنَا؛<sup>۲</sup>

من با او عهد کرده‌ام که همین جا بیاید.

نمونه سوم

رسول خدا ﷺ وعده‌هایی به مردم داده بود، ولی شاید وقت آن‌ها نرسیده  
بود به همین جهت نتوانسته بود به آن‌ها وفا کند آن حضرت هنگام رحلت،  
حضرت علیؑ را به حضور طلبید و چنین وصیت کرد:

يَا أُخِي! تَقْبَلُ وَصِيَّتِي وَتُنْجِزُ عِدَّتِي وَتَقْضِي عَنِّي دَيْنِي؛<sup>۳</sup>

ای برادرم! وصیتم را بپذیر، و به وعده‌هایم وفا کن، و قرض‌هایم را بپرداز.  
علیؑ عرض کرد: «وصیبت را انجام می‌دهم.»

۱ - کحل البصر، ص ۱۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۶.

۲ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۵.

۳ - بحار الأنوار، ص ۱۷۶.



## نمونه چهارم

هنگامی که صلح تحمیلی بین امام حسن علیه السلام و معاویه برقرار شد، امام حسن علیه السلام به این پیمان و قرارداد وفا کرد. امام حسین علیه السلام نیز تا معاویه زنده بود، به این قرارداد و پیمان نامه احترام گذاشت و برخلاف آن رفتار نکرد. با این که آن حضرت حدود ده سال بعد از امام حسن علیه السلام در عصر معاویه می زیست.

عالم بزرگ شیخ مفید رحمته الله (متوفاً: ۴۱۳ هـ.ق) می نویسد:

امام حسین علیه السلام پس از شهادت امام حسن علیه السلام، مردم را به سوی امامت خود دعوت نمی کرد، به علت تقیه و صلحی که با معاویه انجام شده بود:

و التزم الوفاء بها<sup>۱</sup>

امام حسین بر خود لازم می دانست که به آن پیمان صلح وفا کند.

## نمونه پنجم

امام سجّاد علیه السلام از شخصی مطالبه‌ی ده هزار درهم قرض کرد، او گفت: در مقابل این پول و قرض که می‌دهم، وثیقه (گرو) می‌خواهم.

امام سجّاد علیه السلام نخی از عبایش جدا کرد و به او داد و فرمود: «این نخ پیش تو وثیقه باشد».

آن شخص از چنین وثیقه ناچیزی اظهار ناراحتی کرد.

امام سجّاد علیه السلام فرمود:

أنا أولى بالوفاء أم حاجب؟<sup>۲</sup>

آیا من به عهدی که می‌کنم با وفاتر هستم یا حاجب بن زراره؟

<sup>۱</sup> - ارشاد مفید، ص ۲۰۶.

<sup>۲</sup> - مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۱۳۱.

او گفت: تو با وفاتر هستی.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: «با این که حاجب بن زراره کافر بود، عهد او با وثیقه نهادن یک کمان چوبی کم ارزش در برابر صد درهم، پذیرفته شد، آیا عهد من با وثیقه قراردادن یک نخ از عبایم، وفا نمی‌شود؟»

آن شخص قانع شد و ده هزار درهم به امام سجّاد علیه السلام قرض داد و یک نخ از عباي آن حضرت را به عنوان وثیقه گرفت و در جعبه کوچکی نگه داشت.